

## درآمدی بر نقش مقررات زدایی در بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی: با تاکید بر قانون برنامه ششم توسعه ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۹

جلال تیموری<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۲۱

محمد صادقی<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

ابومحمد عسگرخانی<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** مقررات زدایی ابزاری است که اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی را در قالب کاهش دخالت دولت در اقتصاد و ایجاد بسترهای حضور بخش خصوصی در بازار فراهم می‌کند. امروزه در خصوص اجرای حق توسعه اقتصادی یا تولید آن بوسیله دولت کمتر جدالی مطرح است بلکه بحث اساسی بهبود کیفیت اجرای حق مذکور است. در این خصوص این پرسش مطرح است که مقررات زدایی با چه مکانیزمی، می‌تواند بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی را تضمین نماید؟ **روش تحقیق:** روش تحقیق در مقاله حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی بوده ضمن این که با استفاده از منابع موجود دسته اول و کتابخانه‌ای، به نقش مقررات زدایی در بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی پرداخته است.

**یافته‌ها:** در این باب، مقررات زدایی به عنوان یک مکانیزم موثر مورد توجه برای این منظور با حذف کاهش مقررات مانع در حوزه‌های تولیدات داخلی و فضای کسب و کار، سرمایه‌گذاری خارجی، اشتغال، دسترسی به بازار آزاد و خصوصی‌سازی اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی را تضمین می‌نماید. **نتیجه‌گیری:** بر این اساس مقررات زدایی در قانون برنامه‌های پنج ساله توسعه در ایران خصوصاً قانون برنامه ششم مد نظر بوده است و قابلیت این قانون در کاهش چالشهای احتمالی بهره‌گیری از مکانیزم مقررات زدایی قابل بحث است. این پژوهش، ضمن بیان پاسخ پرسش‌های فوق، پیشنهادات لازم‌العم از وضعی و اصلاحی را جهت تحقق موضوع، ارائه نموده است. **واژگان کلیدی:** مقررات زدایی، قانون برنامه ششم توسعه، اعلامیه حق توسعه، برنامه پنج ساله ششم توسعه، حق توسعه اقتصادی.

۱. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. استادیار حقوق اقتصادی، مرکز مطالعات و تحقیقات

هرمز (پژوهشکده هرمز) دانشگاه هرمزگان، ایران. (نویسنده مسئول) Mrs4242@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. دانشیار حقوق بین‌الملل و عضو هیات علمی

دانشگاه تهران، تهران، ایران

## مقدمه

حق توسعه امروزه به عنوان یک حق بشری مورد توجه جامعه جهانی بوده و اهمیت آن در برنامه‌ها و دستور کارهای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد نیز مشهود است.<sup>۱</sup> ماده (۱) اعلامیه به این موضوع اشاره دارد که «حق توسعه از حقوق بشری است که نمی‌توان آن را از انسان گرفت و به موجب آن هر انسانی حق دارد در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت داشته باشد...» بر این اساس می‌توان موارد زیر را به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده حق بر توسعه بیان نمود: الف؛ انسان در مرکز توسعه قرار دارد. ب؛ روند توسعه باید به همه حقوق بشر، از جمله حقوق مشارکت، احترام بگذارد. ج؛ توسعه باید عدالت اجتماعی را ارتقا بخشد. د؛ دولت‌ها مسئولیت اصلی تحقق حق توسعه را از طریق تدوین سیاست‌های مناسب ملی و همکاری‌های بین‌المللی بر عهده دارند. (Laure, 2002: 5) به عبارت دیگر رویکرد اعلامیه به توسعه، یک رویکرد مردم محور است که در ماده (۲) اعلامیه به صراحت به آن اشاره شده است، بدین معنا که این امر در مورد همه مردم، در همه کشورها، بدون تبعیض اعمال می‌گردد. (Arts and Tamo, 2016: 2)

با این اوصاف گزارش‌ها و آمارها در بعد بین‌المللی<sup>۲</sup> حاکی از روند نامطلوب اجرای حق توسعه اقتصادی است. گزارش کمیسیاریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۱۶: ۴) در بعد ملی نیز باید عنوان داشت سیاست‌های اعمال شده در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه نتوانسته منجر به تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله شود و نشان از اجرای نامطلوب فرآیند توسعه اقتصادی دارد. از این رو در مقدمه برنامه ششم توسعه اینگونه بیان شده است که «این برنامه در

۱. موضوع تحقق توسعه پایدار در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی امروزه بعنوان یک اولویت در دستور کار اکوسوک و ارکان فرعی این نهاد قرار گرفته است. بنگرید: <https://www.un.org/ecosoc/en/about>

۲. از نظر تاریخی، توسعه به عنوان روندی دانسته شده که به طور عمده اقتصادی است و از طریق رشد تولید ناخالص ملی قابل اندازه‌گیری است. این برداشت هم چنان اساس مدل غالب اقتصادی در دنیا است. با این حال مزایای رشد اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم به طور عادلانه میان ملت‌ها، مردم و افراد تقسیم نشد و این نابرابری به طور فزاینده‌ای موضوع بحث، انتقاد و ناآرامی‌های اجتماعی بوده است. فقر رو به افزایش، نابرابری‌های در حال رشد و بحران‌های بی‌سابقه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، محیط زیستی و آب و هوا، امروزه بیش از پیش لزوم اجرای مطلوب حق توسعه را پر رنگ می‌کند. گزارش کمیسیاریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

وضعیتی اجرا خواهد شد که نتیجه بررسی عملکرد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه گویای این واقعیت است که به رغم ایجاد ۶۱۰ میلیارد دلار درآمد ارزی ناشی از صادرات نفت و گاز در این دوره، شاخص‌های مهم از جمله رشد تولید ناخالص ملی، رشد سرمایه‌گذاری، نرخ تورم و نرخ بیکاری روندی نامطلوب داشته و سیاست‌های اقتصادی برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز، نیازمند بازنگری است.<sup>۱</sup> این امر بیانگر آن است که، تدوین سیاست‌های مناسب حق توسعه اقتصادی و فراهم کردن امکان مشارکت، از مهمترین چالش‌های اجرای با کیفیت حق توسعه اقتصادی است. در حقیقت اجرای مطلوب و با کیفیت حق توسعه اقتصادی امروزه با مشکل و مانع مواجه بوده و این امر تحقق اهداف مورد نظر را غیر ممکن می‌کند. یکی از موانع اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی، انباشت مقرراتی است که از یک سو امکان دخالت دولت در اقتصاد را فراهم می‌کند و از سوی دیگر مانعی برای مشارکت مردم در بازار اقتصادی است. دولت‌ها از طریق وضع مقررات، امکان مداخله خود در بازار و فعالیتهای اقتصادی را فراهم می‌کنند و این امر منجر به آن می‌گردد که هرچه اندازه دخالت دولت بیشتر شود حدود فعالیت بخش خصوصی کاهش یابد. در حقیقت تحت تاثیر اندیشه‌های حاکمیت محور<sup>۱</sup> دولت‌ها دخالت در امور اقتصاد را حق خود می‌دانند.

در این میان مدیریت خوب همیشه به عنوان ابزاری مهم برای پیشرفت و توسعه پایدار شناخته شده است. بعلاوه حکمرانی مطلوب ابزاری است که می‌تواند موجب مقررات‌زدایی<sup>۲</sup>

صحیح در فرآیند رشد و توسعه گردد. (Kardos, 2012:1166)

۱. مانند اندیشه رئالیستی و یا مارکسیستی

۲. واژه «مقررات‌زدایی» در فرهنگ لغت کمبریج به معنای، حذف نظارت دولت بر کسب و کار آمده است و در فرهنگ لغت آکسفورد نیز به معنای، حذف مقررات یا محدودیت‌ها از کالا، یا فعالیت کسب و کار ترجمه شده است. همچنین در فرهنگ لغت لانگ من، این واژه به معنای حذف قوانین دولتی و کنترل در مورد برخی از انواع فعالیت‌های تجاری عنوان گردیده است. در خصوص مقررات‌زدایی تعاریف متعددی ارائه شده است که همگی گویای یک مفهوم کلی می‌باشد. در این خصوص و برای درک بهتر مفهوم آن برخی از این تعاریف را بیان می‌نماییم. در یک تعریف مقررات‌زدایی به کاهش یا از بین بردن قدرت دولت در یک حوزه خاص تعبیر شده که معمولاً این امکان را ایجاد می‌کند تا رقابت بیشتری را در آن حوزه بوجود آید. در تعریفی دیگر، مقررات‌زدایی به فرایندی اطلاق می‌شود که دولت اقدام به کاهش محدودیتها با حذف مقررات با هدف سهولت بخشیدن به حضور بخش خصوصی می‌کند.

<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/deregulate>  
<https://www.ldoceonline.com/dictionary/deregulate>

با این وصف باید گفت که امروزه حق توسعه اقتصادی به عنوان یک ضرورت در سیاست گذاری دولت‌ها مورد توجه بوده و از تئوری‌های مختلفی چون تئوری ساختاری، تعدیل، اجتماع واشنگتن و پسا واشنگتن گذر نموده اما در اجرای مطلوب امروزه با چالشهای فراوانی مواجه است. بر این اساس سوال این است که مقررات زدایی با چه مکانیزمی میتواند بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی را تضمین نماید؟ همچنین، به قابلیت قانون برنامه ششم توسعه در کاهش چالشهای احتمالی بهره‌گیری از مکانیزم مقررات زدایی نیز توجه می‌گردد.

### ۱- لزوم باز تعریف قلمرو فعالیت دولت در اقتصاد

مرز میان اقتصاد و نهاد قدرت هیچگاه معین و مشخص نبوده و به دلیل اثراتی که هر یک بر دیگری دارد، اساساً نمی‌توان آنها را در حوزه کاملاً تفکیک شده در نظر گرفت. بر این اساس دولتها با مقررات گذاری می‌توانند اندازه دخالت خود را در اقتصاد افزایش داده و آن را به حداکثر برسانند. در حقیقت مقررات گذاری می‌تواند به عنوان تمام روشهایی گفته شود که توسط آنها دولت و نهادهای مقررات گذار، از طریق ابزارهای اداری، قانونگذاری و حتی قضایی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی مداخله میکنند تا رفتار بازیگران این حوزه‌ها را کنترل و تنظیم کنند. (Wymeersch, 2010: 2)

به عبارت دیگر مقررات، ابزار مداخله دولت در اقتصاد است و در واقع در پرتو حکمرانی مطلوب<sup>۱</sup> نقش‌های سنتی دولت بعنوان تولید کننده کالا و عرضه کننده خدمات، کمرنگ شده و نقشهای دیگر دولت یعنی سیاستگذار و خط مشی ساز، توزیع کننده ثروت و به ویژه مقررات گذار تقویت و گسترش یافتند. (هداوند، ۱۳۸۵: ۵۰)

مفهوم مقررات گذاری در دو نوع سیستم یا سازمان اقتصادی متبلور است یکی نظام بازار آزاد که در آن اشخاص و گروه‌ها آزاد گذاشته میشوند تا اهداف رفاهی خود را تعقیب کنند و تنها به برخی محدودیتهای پایه‌ای خاص مقیدند و دوم نظام اقتصادی جمع‌گرا که در

---

۱. بر این اساس حکمرانی میان سه بخش (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) تقسیم شده است و از این منظر نقش دولت اعمال حاکمیت یعنی ایجاد محیط سیاسی و حقوقی بارور، نقش بخش خصوصی تولید کالا و خدمات و در نتیجه اشتغال زایی و درآمد زایی و نقش جامعه مدنی تسهیل مشارکت همگانی و توسعه فرهنگی است.

آن دولت در پی هدایت یا ترغیب کردن رفتاری است که فرض میشود بدون مداخله دولت، آن رفتار اتفاق نمیافتد و هدف اصلاح کاستیها در نظام بازار جهت تحقق منافع جمعی<sup>۱</sup> یا عمومی از طریق مقررات‌گذاری است. (زارعی و شمس، ۱۳۹۲: ۱۷۵)

البته دخالت دولتها در زمان جنگ قابل توجیه بوده و گذشته نشان داده که کل اقتصاد در زمان جنگ ضرورتاً زیر سلطه دولتها بوده است، زیرا نیاز جنگ تعیین‌کننده شرایط می‌باشد. (هازلیت، ۱۳۹۱: ۱۴۵) اما در زمان صلح این دخالت با چه توجیه و برای چه هدفی اجرا میشود؟ بطور کل دخالت بیش از حد دولتها در امور اقتصادی و وضع قوانین دست و پاگیر برای تولیدکنندگان منجر به آن می‌گردد که به دلیل تامین نشدن منافع بخش خصوصی، آنها از ادامه فعالیت دلسرد شوند. (جعفری و قنبری، ۱۳۹۶: ۵۰)

در واقع دولتها با برنامه ریزی اقتصادی سعی در کنترل اقتصاد داشته و به دنبال تعیین هدف، منافع و رفاه مردم به سلیقه خود هستند. نتیجه آن رفتار این است که در بلندمدت رکود تورمی اتفاق می‌افتد. (هایک، ۱۳۹۲: ۱۳) دولتی که دموکراتیک است و خود را با شاخصهای حکمرانی مطلوب بازتعریف نموده، قدرت مداخله خود را در آنچه که امر عمومی می‌داند محدود می‌کند. (باز محمدی و چشمی، ۱۳۸۵: ۳) در این رویکرد مقررات‌زدایی میتواند با حذف یا کاهش قوانینی که اجازه دخالت حداکثری دولت در امر اقتصاد و بازار را می‌دهد، بسترهای حضور بخش خصوصی را فراهم کند.

## ۲- تاثیر مقررات‌زدایی بر اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی

در بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی، مقررات‌زدایی، به دنبال حذف یا اصلاح مقرراتی است که مجوز مداخله دولت در اقتصاد و مانعی برای حضور افراد و مردم در

---

۱. از معایب مقررات‌زدایی که در نظریه اسارت به آن توجه شده به ظاهر منفعت عمومی و تامین آن مدنظر است ولی عملاً منفعت عمومی به اسارت درمی‌آید. نظریه اسارت تاکید دارد که در وهله اول تنظیم گر با اولویت سخت‌گیرانه وارد می‌شود تا بازار را تنظیم کند ولی به تدریج اولویت‌های دیگری تعیین می‌شود که اهمیت خود را از دست می‌دهند و چون نهاد تنظیم گر تخصص کافی ندارد وابسته به دریافت اطلاعات از تنظیم شده‌ها (شرکت‌ها و بنگاه‌ها) می‌شود و همین زمینه‌های لازم را به وجود می‌آورد که این نهاد توسط بنگاه‌ها تسخیر شود. بنگرید: خود تنظیمی، عرفان شمس، ۱۳۹۴

فعالیت‌های اقتصادی و بازار می‌باشد، که این امر دقیقاً موافق رویکرد اعلامیه حق توسعه است. با این وصف مقررات زدایی در وهله اول به دنبال تعیین محدوده و قلمرو فعالیت دولت در امر اقتصاد است و در وهله دوم کارکرد مقررات زدایی کیفیت بخشیدن به اجرای حق توسعه اقتصادی است. بنابراین چالش اصلی در کیفیت اجرای حق توسعه است نه تحقق حق توسعه. بر این اساس به دنبال پاسخ این سوال باید گشت که آیا مقررات زدایی می‌تواند موجب بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی شود؟ همچنین در این بررسی‌ها به قابلیت قانون ششم توسعه<sup>۱</sup> در کاهش چالشهای بهره‌گیری از مکانیزم مقررات زدایی نیز خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- تاثیر مقررات زدایی در بهبود تولیدات داخلی و محیط کسب و کار

یکی از شاخصهایی که توسط آن توسعه اقتصادی قابل سنجش است تولیدات داخلی و فضای کسب و کار است. ارتباط میان تولیدات داخلی و توسعه اقتصادی مورد تاکید اسناد بین‌المللی خصوصاً اعلامیه حق توسعه<sup>۲</sup> بوده به نحوی که یکی از لوازم توسعه پایدار، رشد تولید داخلی و تبدیل آن به کالاها و محصولات با کیفیت جهت مصارف داخلی است. (سعیدی، ۱۳۹۳: ۲)

اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی از کانال تقویت تولیدات داخلی و بهبود در فضای کسب و کار زمانی میسر است که شهروندان با گسترش آزادیهای حقیقی امکان تعقیب هدف‌های خود را در فرآیند توسعه داشته باشند. همچنین دولتها مکلف به تدوین سیاستهای ملی و بین‌المللی<sup>۳</sup> در این خصوص هستند، بنابراین تحقق فضای مطلوب در حوزه تولیدات داخلی و فضای کسب و کار پیوند عمیقی با سیاستهای تدوینی از سوی دولتها در قالب مقررات گذاری دارد. بر این اساس باید گفت هدف از دخالت دولت در بازار از طریق مقررات گذاری اصلاح معایب بازار، تجهیز خدمات عمومی و توزیع مجدد ثروت خواهد بود. (طجرلو، ۲۰۰۶: ۱۳۸۷)

۱. قانون برنامه ششم توسعه برای اجرا در سال‌های (۱۳۹۵-۱۳۹۹) تدوین گردیده است که با توجه به نتایج نامطلوب برنامه‌های پیشین، شاهد ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی با در نظر گرفتن سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله هستیم.

۲. ماده (۱) و ماده (۲) اعلامیه حق توسعه

۳. مواد (۳)، (۴) و (۵) اعلامیه حق توسعه

اما شدت، ضعف، نوع، ماهیت، شیوهها و ابزارهای مداخله دولت در تنظیم روابط همواره محل مناقشه بوده و بعضا ما با دخالت حداقل تا حداکثری دولت‌ها مواجه بوده ایم و بدین منظور شاهد شکل‌گیری مفهومی تحت عنوان تنظیم‌گری حقوقی هستیم. (یاوری، ۱۳۹۳: ۹۳۷-۶۳۵) برخلاف دولت رفاه که عملکرد مقررات‌گذاری، اجرایی و سیاستگذاری را ادغام می‌کند، دولت تنظیمی آنها را از هم تفکیک می‌دهد. در دولت تنظیمی<sup>۱</sup> توجه بیشتری بر نقش و ارزش مقررات نسبت به دیگر ابزارهای سیاستگذاری می‌شود و بیشتر یک دولت، مقرراتی است تا دولت هزینه بر و مالیات‌گیر. در حقیقت دولت تنظیمی، اقتصاد را به بخش خصوصی واگذار می‌کند و خود به عنوان ناظر، به کار نهادهای خصوصی از طریق وضع مقررات کنترل دارد. (صانعی و پروین، ۱۳۹۹: ۲۴۹)

اگر چه دیدگاه حمایتگری از تولیدات داخلی موجب بقاء و رشد آنهاست اما این حمایتگری در واقع با ایجاد بسترهای مناسب برای آن بنگاه امکان‌پذیر است. بلاشک رشد تولید، پیش‌زمینه توسعه اقتصادی بوده که تبعاً حمایت از تولیدات داخلی و بهبود محیط کسب و کار، امروز، در اولویت برنامه‌های مطالعاتی حقوق تجاری و اقتصادی قرار گرفته است. (نوری و اخوان طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱)

بر این اساس در مطالعه<sup>۲</sup> وضعیت موجود در تولیدات داخلی و فضای کسب و کار مشاهده می‌گردد که با مشارکت ناکافی بخش خصوص مواجه هستیم. لذا ضرورت تدوین سیاستهایی که زمینه مشارکت بیشتر بخش خصوصی در فرآیند تولید را منجر گردد احساس شده که این امر با بهبود فضای کسب و کار نیز در پیوند می‌باشد. از جمله این سیاستها اصلاح قوانین و مقررات در قالب مقررات‌زدایی است که در سال‌های گذشته قوانینی به تصویب رسیدند که

۱. در پرتو تحولات پسامدرن دولت تنظیمی جای خود را به دولت فراتنظیمی داده که بر آن نظام «خود-تنظیمی» و «فرا-مقررات‌گذاری» حاکم است. بنگرید به: مقاله سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فراتنظیمی، پتفت، آرین؛ مومنی راد، احمد (۱۳۹۳)

۲. گزارش کمیسیون ویژه مجلس در زمینه تولید (۱۳۹۶) و گزارش‌های ارائه شده در سند برنامه ششم توسعه، ص ۱۸، همچنین در حال حاضر و بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۳، ایران در زمینه شاخص سهولت کسب و کار در میان ۱۸۵ کشور مورد مطالعه دارای رتبه ۱۴۵ بوده که از متوسط این مقدار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که برابر با ۹۸ می‌باشد بسیار فاصله داشته و از کشورهای منطقه نیز صرفاً کشورهای عراق از این لحاظ با رتبه ۱۶۵ پس از ایران قرار دارد. (فتحی، ۱۳۹۲، ۱۴-۱۶)

حوزه تولید و فضای کسب و کار را مورد تاکید قرار داده و با بهره‌گیری از مکانیزم مقررات زدایی سعی در ایجاد بسترهای حضور بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت داشتند. از جمله سیاست‌های اتخاذ شده به منظور اصلاح قوانین در قالب مقررات زدایی به منظور بهبود تولیدات داخلی در قانون حداکثر استفاده (۱۳۹۸)، الزام بخش عمومی به ارجاع کار به شرکت‌های ایرانی چه به صورت شرکت صرفاً ایرانی یا شرکت ایرانی - خارجی که حداقل باید ۵۱ درصد ارزش انجام کار به دست شرکت ایرانی باشد، است. همچنین در این قانون، برای عدم رعایت این امر در بند (الف) ماده (۲۱) ضمانت اجرای کیفری نیز مقرر گردیده است. بعلاوه خرید انواع کالا و خدمات برای دستگاه‌های مشمول قانون<sup>۲</sup> بدون رعایت مفاد قانون حداکثر استفاده، ممنوع گردید «بند الف ماده ۳ قانون». یعنی دستگاه‌های مشمول قانون مکلف گردیدند تا کالاها و خدمات مورد نیاز طرح‌های خود را از سامانه‌ی فهرست توانمندی‌های داخلی، تأمین نمایند. (بند (۱) (الف) (ماده ۴)). بر این اساس مطابق بند (ب) ماده (۵) قانون سال (۱۳۹۸) خرید کالاها و خدمات خارجی که دارای محصول مشابه «با مشخصات مندرج در سامانه توانمندسازی داخلی» باشند ممنوع گردیده و برای ضمانت اجرای آن مطابق بند (الف) ماده (۲۱) عدم رعایت این امر جرم انگاری شده و مرتکب به مجازات مقرر در همین ماده قانون محکوم می‌گردد. همچنین از اقدامات دیگری که در این قانون وفق اصلاح مقررات در قالب مقررات زدایی برای بهبود تولیدات داخلی انجام گرفته می‌توان به ممنوعیت تبلیغ کالاهای خارجی که دارای مشابه ایرانی هستند<sup>۳</sup>، تشویق به مشارکت و تشکیل کنسرسیوم<sup>۴</sup>، ممنوعیت وزارت صنعت و معدن و تجارت از ثبت سفارش کالاهای مصرفی و مصرفی بادوام خارجی دارای مشابه ایرانی اشاره کرد.<sup>۵</sup> به منظور حسن

---

۱. ماده (۳) قانون حداکثر استفاده (۱۳۷۵) ماده (۴) قانون حداکثر استفاده (۱۳۹۱) و ماده (۵) قانون حداکثر استفاده (۱۳۹۸)

۲. ماده (۲) قانون حداکثر استفاده (۱۳۹۸) و همچنین دستگاه‌های موضوع ماده (۱) قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۸

۳. ماده (۱۸) قانون حداکثر سال (۱۳۹۸)

۴. همان، ماده (۱۵)

۵. همان، مواد (۱۶) تا (۱۸)



اجرای قانون فوق نهاد نظارتی نیز تعیین گردیده است.<sup>۱</sup> اما این اصلاحات نه تنها ظرفیت لازم برای تسهیل در فضای تولید و کسب و کار را ایجاد نمی‌کند بلکه راهکار موثری نیز به منظور حل موانع و مشکلات بر سر راه تولید ارائه نمی‌دهد.

اما با هدف رفع موانع تولید، قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که از این پس قانون رفع موانع تولید نامیده می‌شود در سال ۱۳۹۴ در (۶۰) ماده تصویب گردید که بر این اساس ذینفع اصلی این قانون بخش خصوصی و فعالان اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصاد هستند. احکام مندرج در این قانون در سه بخش کلی بازارهای مالی، بدهی‌ها و مطالبات دولت تقسیم شده که اصلاحاتی در قانون مذکور در قالب مقررات‌زدایی به منظور رفع موانع تولید قابل مشاهده است. از جمله این اقدامات می‌توان به امکان کمک‌های مالی دولت از محل اعتبارات بودجه‌های سنواتی تا پنجاه درصد (۵۰٪) به واحدهای تولیدی (دارای شرایط مندرج) اشاره نمود. (ماده ۴) و همچنین مشوق‌های مالیاتی برای واحدهای تولیدی که در مناطق کمتر توسعه یافته فعالیت می‌کنند. (ماده ۳۲) و اصلاح در مقررات به منظور تسهیل در تشریفات گمرکی برای واحدهای تولیدی. (ماده ۳۸) بعلاوه در راستای اصلاح مقررات تبصر (۱) ماده (۵) قانون حمایت از شرکتهای و مؤسسات دانش بنیان (۱۳۸۹) دولت مجاز به کمک در صندوق‌های غیردولتی پژوهشی و فناوری و استفاده از نظرات تشکلهای بخش خصوصی گردیده است. (مواد ۴۰ و ۶۰) در سال ۱۳۹۷ نیز دو ماده به قانون رفع موانع تولید اضافه گردید که ضمن پیش‌بینی «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» به منظور حل و فصل مشکلات واحدهای تولیدی در زمینه حل مشکلات تامین منابع مالی، اقدام به ایجاد هیأتی متشکل از خبرگان نمود تا در صورتی که دلایل بانک برای استنکاف از پرداخت تسهیلات مورد نظر، مورد تأیید هیأت مذکور واقع نشود، بانک موظف به پرداخت تسهیلات مورد نظر به متقاضی شود.

با این حال گزارش کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از عملکرد قانون رفع موانع تولید در حوزه بازارهای مالی در سال (۱۳۹۸) حاکی از آن است که این قانون در راستای تحقق اهداف خود موفق نبوده و دلیل

۱. همان، ماده (۱۹)

آن هم رکود نسبی در اقتصاد کشور و اثرات آن بر بازار مالی و بخش حقیقی اقتصاد، نبود عزم جدی در دستگاه‌ها و نهادهای دارای مسئولیت، عدم پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی در تکالیف دستگاه‌ها، پراکندگی، نبود انسجام و برخی ابهامات در احکام قانون، احاله کردن برخی تصمیمات اساسی به آیین‌نامه‌های اجرایی و اثرگذاری آن بر طولانی شدن اتخاذ تصمیم در دولت و فشار گروه‌های ذی‌نفع نسبت به تغییر مفاد آیین‌نامه‌ها و تصمیمات دولت بیان گردیده است. (گزارش کمیسیون ویژه مجلس، ۱۳۹۷: ۳)

در قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که در سال (۱۳۹۰) به تصویب رسید، شاهد تمرکز بر اصلاح مقررات در قالب مقررات‌زدایی برای این منظور هستیم. از جمله اقدامات صورت گرفته در این قانون توجه به نظرات بخش خصوصی (تشکل‌ها و فعالان اقتصادی) در اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها و همچنین تمدید ادامه فعالیت شورای گفتگو به منظور پیشنهاد اصلاح، حذف یا وضع مقررات اعم از آیین‌نامه، بخشنامه، دستورالعمل، شیوه نامه یا رویه اجرائی در جهت بهبود محیط کسب و کار در ایران می‌باشد.

اما گزارش نظارتی مجلس درباره اجرای قانون بهبود مستمر کسب و کار نشان می‌دهد عمده موارد بیان شده در قانون با اجرای ناقص یا عدم اجرا مواجه بوده است. یکی از عوامل اصلی عدم ثبات قوانین و مقررات در کشور و اصلاحیه و الحاقیه‌های مکرر و زود هنگام هر یک از قوانین و مقررات و همچنین تورم قوانین و مقررات، عدم دریافت نظرات بخش خصوصی بیان شده (مواد ۲ و ۳ قانون مذکور) همچنین ابهام در نهاد مسئول ایجاد و اداره پنجره واحد (ماده ۷) عدم ارائه پیشنهاد وضع، اصلاح یا حذف مقررات از طریق دبیرخانه شورای گفتگو و اساساً نداشتن ضمانت اجرای کافی در مورد پیشنهادات شورای گفتگو در فرآیند مقررات‌زدایی (ماده ۱۱) (گزارش کمیسیون ویژه مجلس، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۰۰)

در قانون برنامه ششم توسعه اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل فعالیت در بخش‌های تولیدی و رفع موانع آن با هدف تحقق اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست ساله و همچنین با لحاظ سیاست‌های پیش‌بینی شده در سند اقتصاد مقاومتی همراه بوده است. برخی از اقدامات صورت گرفته در این قانون از طریق اصلاح قوانین و مقررات با هدف بهبود در حوزه تولیدات داخلی است. یکی از این موارد تجهیز منابع مالی مورد نیاز از خطوط

اعتباری بانک‌های خارجی (فاینانس) و سرمایه‌گذاری خارجی است. (بند الف ماده ۴) اگر چه این ماده در راستای اصلاح نواقص قوانین پیشین از جمله قانون رفع موانع تولید پیش‌بینی شده اما در عمل شاهد ارائه هیچ راهکاری برای اجرا نمی‌باشیم. تامین منابع مالی از طریق فاینانس مستلزم صدور تضمین‌های لازم جهت بازگشت اصل و فرع است، بعلاوه اینکه در این روش امکان برخورداری موسسه اعتبار دهنده خارجی از حمایت‌های قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی فراهم نمی‌باشد. از دیگر راهکارهای ارائه شده ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید برای بخش دولتی در فعالیتهایی که بخش خصوصی در رقابت سالم با هزینه کمتر و کارایی بیشتر قادر به انجام آن می‌باشد. در این خصوص نیز ماهیت دقیق این فعالیتها مشخص نیست و بدون شفافیت کافی اجرای این راهکار هم در مدت اجرای قانون برنامه ششم امکانپذیر نیست. از دیگر مکانیزم‌های بکار گرفته شده می‌توان به جذب شرکت‌های معتبر جهانی در زنجیره تولیدات داخلی و ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیر ساختن کالاهای تولید داخل برای صادرات، حمایت حقوقی، مالی و نهادی لازم برای توسعه دانش در تولید اشاره کرد. (ماده ۴) با توجه به اینکه در قانون حداکثر استفاده الزام بخش عمومی به ارجاع کار به شرکت‌های ایرانی و ایرانی - خارجی پیش‌بینی شده بود، قانون برنامه ششم با بهره‌گیری از این ظرفیت در صدد امکان حضور برندهای معتبر خارجی در زنجیره تولید بوده که باز هم با توجه مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران شاهد ارائه راهکار موثری نیستیم. از جمله اقدامات دیگر می‌توان به افزایش نقش صنعت بیمه در ایجاد فضای امن در سایر حوزه‌های اقتصادی از جمله فضای کسب و کار (ماده ۱۱) اختصاص یک درصد (۱٪) از اعتبارات تخصیص یافته کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و دستگاه‌های موضوع ماده (۵۰) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۱۳۸۴) به طرح‌های پژوهشی در راستای حمایت از اقتصاد دانش بنیان و ارتقای مشارکت فعالان اقتصادی در زنجیره تولید بین‌المللی (ماده ۶۴) اشاره نمود. گزارش سازمان برنامه و بودجه از عملکرد قانون برنامه ششم توسعه در سال (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که سیاست‌های اعمال شده در بهبود فضای تولیدات داخلی و کسب و کار با

موفقیت مواجه نبوده است.<sup>۱</sup> بر این اساس در پرتو مقررات زدایی به منظور بهبود محیط کسب و کار و تولیدات داخلی، فارغ از عامل بیرونی تحریم، پیرامون عوامل درونی نیازمند اقدامات زیر هستیم: نخست؛ ایجاد پنجره واحد که مردم بتوانند فرآیندهای ایجاد کسب و کار را به آسانی پیگیری نمایند. دوم؛ سیاستهای ستاد اقتصاد مقاومتی در راستای مقابله با رانت و انحصار باشد سوم؛ همکاری موثر سه نهاد وزارت اقتصاد و دارایی، هیات مقررات زدایی و سازمان امور استخدامی و ایجاد کارگروهی متشکل از هر نهاد چهارم؛ بهبود در فعالیت هیات مقررات زدایی در شناسایی و اصلاح یا حذف قوانین محل بهبود فضای کسب و کار. لازم به ذکر است براساس گزارش بانک جهانی در زمینه بهبود فضای کسب و کار رتبه ایران در سال ۲۰۲۰ با یک درجه افزایش ۱۲۸ می باشد که این میزان در مقایسه با اهداف مورد نظر ناچیز است. (World Bank's Rep, 2020: 4)

## ۲-۲- مقررات زدایی و دسترسی به بازار آزاد

از منظر آزادی، نقش اساسی بازار فراهم سازی آزادی مبادله و تضمین استمرار آن و نقش فرعی آن کمک به توسعه است. در این رویکرد بازار به عنوان یک نهاد کارآمد مطرح می شود که وجود هر نوع کاستی در آن، تاخیر در توسعه را در پی خواهد داشت. در بازاری که آزادی حاکم باشد و هر کس بتواند آزادانه تولید، توزیع و مصرف کند، حتما رقابت ایجاد خواهد شد. (سن، ۱۳۹۶: ۳۱) بنابراین بازار آزاد، بازاری است که دولت دخالتی در آن نداشته و امکان آزادانه عرضه و تقاضا وجود داشته و رقابت در آن تعیین کننده است. همچنین بازار آزاد عاری از هر گونه امتیاز اقتصادی و انحصار است. (Leeson, 2018: 7)

این امر به معنای آن نیست که قوانین در این بازار نقشی ندارند. واقعیت آن است که نظم اقتصادی حاکم بر بازار آزاد نیازمند قوانین حاکمیت می باشد اما نه در جهت کنترل و تنظیم آن بلکه در راستای ایجاد فرصت های بیشتر و برابر برای حضور همه افراد در بازار و بر این اساس بازار آزاد ارتباط مستقیم با حکومت قانون دارد.

۱. به رغم تصویب متوسط رشد سالانه ۸ درصدی برای تولید ناخالص داخلی در برنامه ششم توسعه، رشد این متغیر در سال ۹۷ منفی ۴/۹ درصد بوده است.

نوع دخالت دولت در قالب وضع مقررات به منظور کنترل بر بازار نه تنها با ویژگی رقابت‌پذیری بازار آزاد در تضاد است بلکه در عمل نیز موجب شکل‌گیری نهادهای مختلفی چون حمایت از مصرف‌کنندگان، یا گروه‌های نظارتی و بازرسی در بازار می‌گردد. (تونکیس، ۱۳۹۴: ۲۳۳)

در قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی، در ماده (۶) شاهد واگذاری وظایف تصدی‌گری در خصوص اقدامات اجرایی خریدهای تضمینی، تهیه و توزیع کلیه نهادهای تولید، اقدامات اجرایی خرید، انبارداری و توزیع اقلام موردنیاز تنظیم بازار به بخش خصوصی هستیم. همچنین در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان نیز شاهد ایجاد استانداردهایی برای عرضه کالا توسط بخش خصوصی هستیم که این جنس از محدودیت در راستای حمایت از مصرف‌کننده عنوان شده و سازمان تعزیرات حکومتی بعنوان ضمانت اجرای رعایت این استانداردها معرفی شده است. (ماده ۱۴) بعلاوه در قانون تعزیرات حکومتی (۱۳۶۷) نیز به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت‌گذاری و ضوابط توزیع اشاره شده و بر مجازات متخلفین از اجرای مقررات تاکید نموده است. (ماده ۱ ق.ت.ح) این شکل از سیاست‌های متضاد نه تنها موجب شکلگیری بازار آزاد نمی‌شود بلکه بخش خصوصی را به دلیل تامین نشدن منافع خود در فعالیتهای اقتصادی کنترل شده توسط دولت از بازار فراری می‌دهد.

قانون برنامه ششم توسعه با آنکه با سیاست بهبود شرایط بازار و افزایش رقابت‌پذیری و مشارکت بخش خصوصی تنظیم گردید (سند سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: ۱۸) اما در عمل شاهد اقدام جدی در اصلاح قوانینی که موجب بهبود شرایط بازار از طریق کاهش مداخله دولت باشد، نیستیم. اگر چه اقداماتی به منظور رشد و توسعه اقتصادی در زمینه افزایش رقابت‌پذیری، توسعه بازار سرمایه، اجازه حضور و مشارکت مؤسسات مالی و اعتباری خارجی در ایران، در بازار اتخاذ شده (ماده ۴) اما نه تنها کافی نبوده بلکه اتخاذ تصمیمات عجولانه برای کنترل بازار<sup>۱</sup> نتیجه معکوس نیز به همراه داشته است. ایجاد ستاد تنظیم بازار و رویکرد مجازات محور در خصوص قیمت‌ها از طریق سازمان تعزیرات حکومتی، حکایت از

۱. کنترل بازار خودرو، طلا، ارز، کالاهای اساسی و...

بازاری کنترل شده و محدود در قالب مقررات دارد که با این شرایط اصلاح مقررات کمکی به بهبود آن نخواهد کرد.

### ۲-۳- مقررات زدایی و رونق سرمایه‌گذاری خارجی

با شکل‌گیری مفاهیمی چون حکمرانی مطلوب و امنیت انسانی در سایه اعلامیه هزاره و بعدها در پرتو سند (۲۰۳۰) موضوع توسعه و مبارزه با فقر و ناامنی دولت‌ها را بر آن داشت تا با جذب سرمایه‌های خارجی بسترهای انجام تعهدات بین‌المللی و داخلی خود را در خصوص توسعه یافتگی فراهم آورند. بنابراین موضوع سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک امر مهم اقتصادی در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. (راغفر، ۱۳۹۵: ۱۴۸) همچنین بدلیل اهمیت سرمایه و سرمایه‌گذاری در فرایند توسعه اقتصادی، دولت‌ها برای دستیابی به یک اقتصاد پیشرفته و پویا توجه لازم را به آن از طریق، وضع و اعمال قوانین و مقررات خاص، ایجاد بسترها و بهبود زیرساخت‌های لازم، استفاده بهینه از منابع، امکانات، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و به کارگیری مدیریت اصولی و علمی و منطقی معطوف داشته تا بدین وسیله موجبات تحول و پیشرفت کشور و جوامع را فراهم آورند. (دودانگی، ۱۳۹۵: ۲)

اما انبوه مقررات پیچیده همیشه مانعی مهم در جذب سرمایه به کشور میزبان بوده و در این میان مقررات زدایی می‌تواند با اصلاح در برخی قوانین مانند تسهیل و تسریع فرآیند صدور مجوز، سیاست‌های پولی، مشوق‌های مالیاتی و گمرکی و همچنین روش‌های جدید سرمایه‌گذاری و تضمین امنیت سرمایه ضمن تسهیل حضور سرمایه‌گذاران خارجی بعنوان بخش خصوصی، کشور میزبان را به مکانی جذاب برای سرمایه‌گذاری بدل نماید و موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورند. (Napiórkowski, 2017: 12)

سرمایه‌گذاری خارجی همچنین می‌تواند از طریق مزایا و فوایدی که برای اقتصاد کشور فراهم می‌سازد میزان تولید و اشتغال کشور را افزایش دهد و در نتیجه از طریق افزایش رفاه مردم در ارتقاء سطح زندگی آنها مؤثر واقع شود. (میرزاخانی، ۱۳۹۱: ۲)

در کشور ما نیز موضوع سرمایه‌گذاری خارجی دارای اهمیت بوده از جمله در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (۱۳۸۱) که در ماده (۱) آن امکان سرمایه‌گذاری با منشاء

خارجی در یک بنگاه اقتصادی پیش‌بینی شده است. با توجه به محدودیت‌های مندرج در مواد (۲) و همچنین تبصره ماده (۲) پیرامون قانون مربوط به تملک اموال غیر منقول اتباع خارجه و ماده (۳) قانون تشویق که امکان سرمایه‌گذاری محدود به چند روش «جوینت ونچر»، «بیع متقابل» و «ساخت، بهره برداری و واگذاری» گردیده و همینطور محدودیت مشمول ماده (۴) به نظر نمی‌رسد این قانون ظرفیت‌های لازم برای جلب سرمایه خارجی را به اندازه مطلوب داشته باشد و بسترهای رونق آن را فراهم کند. افزون بر این، فرآیند پذیرش درخواست سرمایه‌گذاری که در تبصره ماده (۶) و ماده (۷) بیان شد خود موجب اطاله فرآیند صدور مجوز محسوب شده و نیازمند اصلاح می‌باشد. بنابراین مقررات‌زدایی در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایجاد بسترها و فرصت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی ضروری است.

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به امر سرمایه‌گذاری خارجی توجه نموده است. در بند (الف) ماده (۴) سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه یک ماده (۲) این قانون را منحصراً در اختیار بخش غیردولتی قرار داده است و مطابق ماده (۷) ضرب الاجلی برای مقررات ناظر بر صدور پروانه‌ها و مجوزهای سرمایه‌گذاری و کسب و کار با رویکرد حذف مجوزهای غیرضروری، تسهیل شرایط دریافت مجوزها و شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی تعیین کرده است. اگر چه این اصلاحات اولین گام برای اقدام به اصلاح ساختاری است که پیشتر با انبوه مقررات مانعی بزرگ بر سر راه سرمایه‌گذاری ایجاد نموده اما پس از گذشت حدود ۱۳ سال از تصویب این قانون هنوز شاهد سلطه دولت بر اقتصاد بوده و از میزان مطلوب سرمایه‌گذاری خارجی فاصله بسیار داریم.

همچنین در خصوص امکان تملک اموال توسط خارجی‌ان هنوز شرایط مطلوبی برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد و همچنان مهم‌ترین محدودیتی که برای بیگانگان در ایران وجود دارد، همین حق تملک اموال غیرمنقول است. برخلاف برخی کشورهای همسایه مانند ترکیه که با حذف محدودیت‌هایی مانند عمل به شرط متقابل برای تملک اموال غیرمنقول، راه خرید املاک و زمین از سوی خارجی‌ان را هموار نموده است. (توحیدی و کوشش کار، ۱۳۹۶: ۲) در سیاست‌های برنامه ششم توسعه با هدف اصلاح ساختار اقتصاد و ارائه الگویی مفید

برای بهبود شرایط خصوصاً در امر سرمایه‌گذاری خارجی و تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله در قالب مقررات زدایی شاهد اقداماتی می‌باشیم. در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در سند سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه چندین راهبرد در امر مقررات زدایی صورت گرفته است: نخست؛ اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد شرایط ویژه و مستقل جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی دوم؛ اصلاح ساختار و مناطق آزاد و ویژه اقتصادی (ماده ۲۳ قانون پنج ساله ششم توسعه) سوم؛ سرمایه‌گذاری مشترک تجاری با برندها و شرکت‌های معتبر (بند (ث) ماده (۴)) چهارم؛ حمایت قضایی موثر در تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادهای به منظور توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (بند (ب) ماده ۴) پنجم؛ عدم مداخله دولت و نهادهای قدرت در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی و جبران هزینه‌ها و خسارت‌های وارد شده به آنها (بند (ب) ماده ۴) ششم؛ اجازه حضور و مشارکت مؤسسات مالی و اعتباری خارجی در ایران (بند (د) ماده ۴) هفتم؛ تسهیل و تسریع فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی (بند (پ) ماده ۴).

برخلاف راهبردهای سند برنامه ششم، در خود قانون برنامه ششم توسعه شاهد اقدامات محدودی از قبیل تجهیز منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاری از جمله تأمین منابع مالی خارجی، محترم شمردن و حمایت از حقوق مالکیت و عدم مداخله در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی و تدوین نظام بنگاه‌داری نوین در بخش دولتی همراه با ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید برای بخش دولتی در فعالیتهایی که بخش خصوصی در رقابت سالم با هزینه کمتر و کارایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، می‌باشیم. (ماده ۴ قانون برنامه ششم توسعه)

البته در دوران اجرای برنامه‌های ششم توسعه و براساس آخرین گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup>، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده روند نزولی داشته است.<sup>۲</sup> اگر چه قوانینی که از نظر گذشت بطور محدود تمهیداتی در بهبود حوزه سرمایه‌گذاری خارجی برداشته‌اند اما بدون درک درست از اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای موثر به اصلاح مقررات پیشین در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته‌اند. این مقررات زدایی غالباً در زمینه ارائه مشوق‌ها و معافیت‌ها است در حالیکه اجرای مطلوب این موارد نیازمند تغییر در قوانین و سیاست‌های دیگر نیز می‌باشد.

1 . [www.investiniran.ir/fa/picturereports/ministerlectures](http://www.investiniran.ir/fa/picturereports/ministerlectures)

۲ . در سالهای ۱۳۹۶، ۱۳۹۷ و شش ماهه ۱۳۹۸ به ترتیب به رقمی معادل ۵۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۷۰۰ میلیون دلار رسیده است.



## ۲-۴- مقررات زدایی و اشتغال

اشتغال زایی و رونق بازار کار از مولفه‌های مهم حق توسعه اقتصادی محسوب می‌شود که هم در اعلامیه حق توسعه، هم در سند چشم‌انداز بیست ساله و هم در قانون برنامه‌های توسعه همواره مورد تاکید بوده و بر این اساس راهکارهایی به منظور اشتغال زایی و کار آفرینی ارائه شده است.

بیکاری در واقع نشان از یک سیستم اقتصادی بیمار دارد که در آن افراد غایب هستند. همچنین بستریایی برای فرصت‌های برابر برای همگان وجود ندارد تا بتوانند از منافع فعالیت خود بهره ببرند. (روحانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۶)

واقعیت آن است که رابطه دولت و توسعه با مناقشه بر سر میزان دخالت بایسته دولت در اقتصاد، گره خورده و فعالیت‌های دولت آثاری تعیین کننده بر اقتصاد دارد. رشد اقتصادی، تورم و بیکاری که در زمره متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و حتی سیاسی اند همگی از فعالیت‌های دولت تاثیر می‌پذیرند. (نیلی، ۱۳۹۳: ۱۹)

در این راستا ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال در سال (۱۳۹۰) با رویکرد حمایت از تولید و آموزش نیروی متخصص، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، بهبود محیط کسب و کار و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی این نوید را می‌داد که در حوزه اشتغال شاهد تحول جدی باشیم. اما با وجود جمعیت جوان و فعال و تحصیلکرده چهار عامل مهم مانع بهبود شرایط در حوزه اشتغال می‌باشد. نخست: فضای کار نامناسب و موانع فراروی تولید و سرمایه گذاری ب: قوانین و مقررات دست و پاگیر ج: منعطف نبودن محیط بازار د: واردات فزاینده و بی رویه. (امینی، ۱۳۹۴: ۳۷)

همچنین باید به موضوع اشتغال زنان بعنوان حقی که مورد توجه اعلامیه حق توسعه<sup>۱</sup>، قانون اساسی<sup>۲</sup> و قانون کار<sup>۳</sup> می‌باشد نیز توجه نمود.

در سند سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه در راستای رفع مشکل اشتغال اقداماتی نظیر گسترش آموزش‌های کار آفرینی برای ورود به بازار کار، اجرای طرح کاورزی برای فارغ

۱. مواد (۱)، (۲) و (۶) اعلامیه حق توسعه

۲. اصول (۲۰)، (۲۱) و (۲۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳. مواد (۷۵) تا (۷۸) قانون کار

التحصیلان و بهبود اشتغال گروه‌های کم درآمد، از سوی دولت در سند مذکور پیش‌بینی شده است. (همان: ۱۷)

در بند(ز) ماده(۴) و ماده (۱۲۰) قانون برنامه ششم توسعه نیز به بحث تصویب سند ملی کار توسط هیات وزیران اشاره شده که از سال ۱۳۹۰ در دستور کار تصویب بود و با (۹) راهبرد در سال ۱۳۹۸ با هدف کاهش نرخ بیکاری به میزان حداقل (۸/۱) سالانه در طول سال‌های اجرای قانون برنامه تصویب شد که البته هیچ راهکار مشخصی در باب نحوه اجرای این راهبردها با بهره‌گیری از مقررات‌زدایی ملاحظه نمی‌گردد. علاوه بر این در ماده(۲۲) نیز اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های محیط کسب و کار بدون لحاظ ساز و کار و چگونگی انجام در دستور کار قرار گرفته همچنین در ماده (۲۴) و بند (۱) ماده ۲۷ قانون برنامه ششم توسعه نیز شاهد اصلاح قوانین و مقررات به منظور اجرای مطلوب توسعه اقتصادی در حوزه اشتغال زایی و کارآفرینی بدون بیان ساز و کاری به منظور حل مشکلات پیشین هستیم.

## ۲-۵- مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی

از مهمترین علل مقررات‌زدایی، کاهش دخالت دولت و ایجاد بسترهای لازم جهت حضور بخش خصوصی می‌باشد. بنابراین مفهومی تحت عنوان خصوصی‌سازی در این فرآیند شکل گرفت تا به گونه‌های نظامند به حضور بخش خصوصی شکل دهد و این حضور را رسمیت بخشد. (Adams, 2011: 293) گزارش‌های بانک جهانی گویای این امر است که بسیاری از کشورها در همه مناطق و شرایط اقتصادی با استفاده از سیاست‌های خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و آزاد سازی بازار توانسته‌اند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورند. زیرا صنعتی که انحصار طلب بوده به دنبال گسترش اندازه بازار نباشد و شرایط یکسان برای رقابت را فراهم نکند، امکان تحقق اهداف رشد و توسعه اقتصادی را نخواهد داشت.

(Kandilov and others, 2016:8)

در واقع ناکارآمدی اقتصاد سیاسی و تحولات جهان خصوصا در امر تکنولوژی و جهانی شدن و بسط اندیشه‌های نوینی مانند آزاد سازی تجارت و رشد دموکراسی در کشورها دلایلی بود

که ظهور خصوصی‌سازی را تسریع کرد.<sup>۱</sup> همچنین نتایج مفید این امر بر توسعه، گسترش آن را شدت بخشید. (Shleifer, 1998: 13) در تفاوت خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی باید گفت که خصوصی‌سازی بدان معنی است که دولت به شرکت‌های خصوصی اجازه می‌دهد تا در یک صنعت رقابت کنند و این می‌تواند به معنای رقابت با شرکت‌های دولتی نیز باشد. از طرف دیگر، مقررات‌زدایی از بین بردن موانع نظارتی در انجام کار است. به عنوان مثال، اگر این صنعت از قبل خصوصی‌سازی شده باشد، اما باز هم تحت سلطه افراد معدودی باشد، دولت ممکن است در قالب مقررات‌زدایی شرایط را برای ورود دیگران و رقابت در این عرصه فراهم کند. (Chong, 2017: 2) در خصوص تمایل به خصوصی‌سازی باید گفت با گسترش فعالیت‌های دولت و به دلیل مشکلاتی مانند بوروکراسی شدید، ضعف نظام ارزیابی و حسابرسی، نبود انگیزه کاری، چندگانگی اهداف، بهره‌گیری نادرست از انحصارات، حمایت‌های نابخردانه و... ناکارایی که بر فعالیت‌های اقتصادی سایه افکننده موجب گرایش کشورهای بسوی نظام بازار و اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی گردیده است. (مرادی، ۱۳۸۴: ۱۸۰) گزارش شورای مشاوران اقتصادی آمریکا در سال ۲۰۱۹ بیانگر آن است که اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در قالب مقررات‌زدایی توانسته موجب شکل‌گیری فضای رقابتی در بازار گردد. (CEA Rep, 2019: 3)

بنابراین نتیجه خصوصی‌سازی باید منجر به این گردد که کنترل، مالکیت و مدیریت از بخش دولتی به بخش خصوصی سپرده شود. در ایران خصوصی‌سازی از سال ۱۳۶۲ مورد توجه قرار گرفت اما در مقام اجرا، این سیاست‌ها به دلایل مختلف از جمله روش‌های واگذاری محقق نشد. به لحاظ تقنینی خصوصی‌سازی توسط قوانین مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است. در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اگر چه امکان واگذاری به بخش خصوصی فراهم شده،<sup>۲</sup> اما راهکاری برای تقویت این بخش ارائه نشده به‌علاوه عدم واگذاری مدیریت

۱. خصوصی‌سازی می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های دولت، کاهش دخالت دولت در اقتصاد، گسترش رقابت، گسترش بازار سرمایه و در مجموع موجب رشد و توسعه اقتصادی گردد.

۲. مطابق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی تبصره (۱) ماده (۳) دولت مکلف است سهم، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت خود را در شرکتها، بنگاهها و مؤسسات دولتی و غیردولتی که موضوع فعالیت آنها جزء یک ماده (۲) این قانون است، تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

نیز مشکل دیگری در واگذاری‌هاست. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال‌های گذشته هم در اثر خصوصی‌سازی بدهی‌های دولت افزایش یافت و هم دولت اقدام به افزایش بودجه شرکت‌های دولتی کرد که برخلاف برنامه چهارم توسعه بود. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که نه تنها اندازه دولت کوچکتر نشده بلکه موجب تضعیف بخش خصوصی نیز شده است و اگرچه تاکنون در حدود نیمی از سهام بنگاه‌های دولتی واگذار شده اما پیامدها و دستاوردهای مورد انتظار محقق نشده است. بعلاوه نقش ناکارآمد سازمان خصوصی‌سازی و تخلفات صورت گرفته در آن براساس نظارت‌های صورت گرفته توسط مجلس و همچنین ظهور شبه‌دولتی‌ها و خصوصی‌ها در فرآیند خصوصی‌سازی باعث گردیده تا شاهد روندی ناقص و غیر مطلوب در این حوزه باشیم. در مجموع می‌توان گفت موفقیت برنامه‌های خصوصی‌سازی، منوط به اجرای هم‌زمان برنامه‌های کلان دیگر همچون آزادسازی و مقررات‌زدایی است.

بر این اساس در برنامه ششم توسعه به روند نامطلوب خصوصی‌سازی در کشور اشاره شده و دلایل متعددی از جمله ادامه تصدی‌گری دولت و دخالت دولت در خدمات تولیدی بخش خصوصی، اجرای ناقص و نادرست سیاست‌های اصل (۴۴)، شکل‌گیری انحصار جدید در اقتصاد کشور در قالب شرکت‌های شبه دولتی و نهادهای غیر دولتی که مانعی برای رقابت سالم توسط بخش خصوصی در اقتصاد کشور می‌باشد، اشاره شده است. (سند برنامه ششم توسعه: ۹۵)

در راستای بهبود کیفیت خصوصی‌سازی و نقش مقررات‌زدایی در این خصوص سیاست‌هایی در سند برنامه ششم توسعه از جمله، به بهبود فرآیند واگذاری‌ها، ارتقاء کارایی و بهره‌وری بنگاه‌های مشمول واگذاری، افزایش تعداد سهامداران در بازار سرمایه، توانمندسازی بخش خصوصی اشاره گردیده است. (سند برنامه ششم توسعه: ۹۵)

یکی از روش‌های پیش‌بینی شده در سند برنامه ششم توسعه، خصوصی‌سازی در قالب مشارکت عمومی - خصوصی می‌باشد. بدین منظور اقداماتی در سند سیاست‌های برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده است از جمله، بازنگری روش‌های انتخاب، تامین مالی و مدیریت پروژه‌های تملک‌داری‌های سرمایه‌ای، تسریع در انتشار اوراق مشارکت، تهیه و تصویب تعدادی قوانین کارآمد جهت تسهیل واگذاری طرح‌ها اشاره شده است. (همان: ۹۰)

## نتیجه گیری

امروزه حق توسعه اقتصادی به عنوان یک ضرورت در سیاست گذاری دولت‌ها مورد توجه بوده و بنابراین وجود آن کمتر محل مناقشه است و بحث اصلی در اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی است. آنچه که مانع از اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی می‌گردد، دخالت حداکثری دولت در اقتصاد از طریق مقررات گذاری است. از این رو به دلیل تامین نشدن منافع بخش خصوصی شاهد حضور آنان در فرآیند توسعه اقتصادی نیستیم. این امر به دلیل کاستی‌ها و مشکلات در حوزه‌های مختلف اقتصادی است که مقررات‌زدایی می‌تواند با حذف یا کاهش مقررات مانع در این حوزه‌ها از جمله تولیدات داخلی و فضای کسب و کار، سرمایه‌گذاری خارجی، اشتغال، دسترسی به بازار آزاد و خصوصی‌سازی اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی را تضمین نماید. در بعد تقنینی در سال‌های گذشته قوانین مختلفی از جمله قانون حداکثر تولید، قانون رفع موانع تولید، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و قوانین پنج ساله توسعه با هدف تسهیل در صدور مجوزها و مقررات‌زدایی در قوانین مانع و همچنین ایجاد شفافیت و کاهش فساد اقتصادی وضع گردیده و سعی در بهبود شرایط این حوزه‌ها داشته‌اند که آمارها نشان از عدم موفقیت این تلاش‌ها داشته است.

در قانون برنامه ششم توسعه نیز با وجود ظرفیت‌های بیشتر این قانون امید می‌رفت مکانیزم مناسبی به منظور مقررات‌زدایی ارائه شود که با وجود راهبردهای کلان در سند برنامه ششم، در قانون برنامه ششم شاهد ساز و کار کارآمدی نیستیم. بر این اساس باید گفت اگرچه در حوزه‌های مذکور اقداماتی در راستای بهبود شرایط در قالب مقررات‌زدایی صورت گرفته اما این اقدامات کافی نبوده و در عمل به واسطه عدم ارائه راهکار مناسب در فرآیند مقررات‌زدایی، حل مشکلات و موانع قانونی عمدتاً با رویکرد نظارتی و در مواردی با ارائه مشوق‌ها، معافیت‌ها و راه‌های تامین مالی بدون ارائه الگو و مکانیزمی مناسب همراه بوده است.

همچنین در خصوص عملکرد هیات مقررات‌زدایی نیز اگر چه اقداماتی در زمینه تسهیل صدور مجوزها صورت گرفته اما بدلیل انباشت سریع قوانین و روند کند حذف و اصلاح آنها، متأسفانه تاثیر مهمی بر بهبود شرایط و به تبع آن حق توسعه اقتصادی نداشته است. مضافاً

در مواردی هم که راهکاری ارائه شده نحوه اجرای آن به آیین نامه‌های اجرایی موکول گردیده که در عمل یا اجرا نشده یا با فرآیند پیچیده اداری همراه بوده و از آثار مقررات زدایی که حذف نظامات، ایجاد شفافیت، کاهش هزینه‌ها و ساده نمودن فرآیند صدور مجوزهاست کاسته است. بر این مبناء و برای بهبود کیفیت اجرای حق توسعه اقتصادی، نیازمند اقدامات زیر در شناسایی قوانین مانع و حذف یا اصلاح آن‌ها در قالب مقررات زدایی هستیم:

نخست؛ ایجاد ظرفیتهای لازم برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق مقررات زدایی در قانون کار، بیمه و مالیات و همچنین اصلاح در فرآیند صدور مجوزها، ثبات در اتخاذ سیاستهای نظام پولی و کنترل نوسانات ارز و بهبود شرایط نظام بانکی به منظور ارتباط موثر میان بانکهای داخلی با بانکهای بین‌المللی (که این امر منوط به تعیین تکلیف پذیرش لوایح چهارگانه کارگروه ویژه اقدام مالی و خروج از لیست سیاه این نهاد و ارتباط کامل با سوئیفت است).

دوم؛ بهبود در حوزه تولید و بهبود فضای کسب و کار نیازمند مقررات زدایی در قوانین مربوط به تامین منابع مالی واحدهای تولیدی و عدم ارجاع آن به آیین نامه‌های پیچیده است و همچنین با وجود امکان تامین منابع از طریق فاینانس و سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه ششم توسعه، لازم است قوانینی که مانع بهره‌گیری از این ظرفیت می‌شوند شناسایی و حذف یا تعدیل گردند.

سوم؛ عضویت کامل ایران در سازمان تجارت جهانی برای بهبود در زمینه دسترسی به بازار آزاد یک ضرورت است بعلاوه با توجه به ظرفیت پیش‌بینی شده در برنامه ششم توسعه در این خصوص از طریق اجازه حضور و مشارکت مؤسسات مالی و اعتباری خارجی در ایران به منظور رفع کاستی‌های قوانین پیشین با هدف بهبود شرایط بازار و افزایش رقابت‌پذیری، شناسایی و حذف مقررات مانع ضروری است.

چهارم؛ بهبود در بعد اشتغال نیازمند مقررات زدایی در قوانینی است که با ارائه وام سعی در حل معضل بیکاری دارند و همچنین حذف یا اصلاح مقرراتی که مانع از امکان ایجاد فرصتهای برابر برای مردان و زنان در جامعه می‌شوند.

پنجم؛ در حوزه خصوصی‌سازی نیز مقررات زدایی باید ابتدا در جهت توانمندسازی بخش

خصوصی و سپس حذف قوانینی که امکان واگذاری به خصولتی‌ها را فراهم می‌کند صورت گیرد. همچنین به منظور اعمال موثر مقررات زدایی، اقداماتی چون افزایش اختیارات هیات مقررات‌زدایی، استفاده از نظرات اساتید و خبرگان دانشگاهی در فرآیند شناسایی و حذف یا اصلاح مقررات، مشارکت جدی فعالان اقتصادی در فرآیند مقررات‌زدایی، عدم ارجاع تصمیمات اساسی به آیین‌نامه‌های اجرایی و در صورت ارجاع ساده‌سازی آیین‌نامه‌های اجرایی، گسترش دولت الکترونیک و همچنین ارزیابی اثرات قوانین پیشین برای جلوگیری از تصویب قوانین مشابه در آینده پیشنهاد می‌گردد. بعلاوه تجربه ناموفق برنامه‌های توسعه پیشین نیز گویای این امر است که برنامه ریزی برای توسعه زمانی مفید خواهد بود که این برنامه، شامل مقررات‌زدایی از قوانینی باشد که مانعی مهم برای اجرای مطلوب حق توسعه اقتصادی می‌باشد.

### تشکر و قدردانی

از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری این مقاله همکاری داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارد.

## منابع

## الف: منابع فارسی

- دودانگی، محمد (۱۳۹۵). عوامل موثر بر جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی در ایران، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۳.
- امینی، علیرضا (۱۳۹۴). تحلیل بازار کار و سیاست های اشتغال زایی اقتصاد ایران با تاکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۵ و ۶.
- توحیدی، احمد رضا، کوشش کار، ریحانه (۱۳۹۶). حق اتباع خارجی در زمینه تملک اموال در ایران با نگاهی به نظام حقوقی ترکیه، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲.
- شمس، عرفان (۱۳۹۴). خودتنظیمی (مبانی و مدل ها)، تهران: نشر خرسندی.
- پتفت، آریسن، مومنی احمد (۱۳۹۴). سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فراتنظیمی، فصلنامه پژوهش عمومی، سال هفتم، شماره ۴۷.
- جعفری، انوش، قنبری، حمیده (۱۳۹۶). مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۱.
- هازلیت، هانری (۱۳۹۱). اقتصاد در یک درس، ترجمه: محسن رنجبر و نیلوفر اورعی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- فون هایک، فردریش (۱۳۹۲). راه بردگی، ترجمه: تفضلی، فریدون، پاداش، حمید، تهران: نگاه معاصر.
- باز محمدی، حسین، چشمی، اکبر (۱۳۸۵). اندازه دولت در اقتصاد، مجموعه پژوهش های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۶). توسعه یعنی آزادی، ترجمه: محمد سعید نوری نائینی، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.
- روحانی، حسن (۱۳۸۹). امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، جلد دوم، تهران: نشر نی.
- هداوند، مهدی (۱۳۸۵). درآمدی بر مقررات گذاری اجتماعی، حقوق عمومی، شماره ۲.



- یآوری، اسدالله (۱۳۹۳). درآمدی بر مفهوم تنظیم‌گری حقوقی، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲.
- زارعی، محمد حسین، عرفان، شمس (۱۳۹۲). درآمدی بر مفاهیم و نظریه‌های مقررات گذاری اقتصادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲.
- صاعی، مهدیه، پروین، خیرالله (۱۳۹۹). تحلیل حقوقی مداخله یا عدم مداخله دولتها در نظام توسعه در حقوق اقتصادی عمومی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۱.
- راغفر، حسین (۱۳۹۵) دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- مرادی، بهنام (۱۳۸۴). ابعاد خصوصی سازی و آثار آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۳ و ۲۱۴.
- طجریلو، رضا (۱۳۸۷). برداشت تئوریک بر دخالت دولت در محدود کردن آزادی قراردادها، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۳.
- نوری، جعفر، اخوان طباطبایی، سیده نازنین (۱۳۹۷). نقد موانع بین‌المللی و ملی حمایت از تولیدات داخلی و راهکارهای حقوقی آن، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره پنجم.
- رستمی، فرزاد، بهرامی پور، فرشته (۱۳۹۷). بررسی ماهیت اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه اقتصادی، مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲.
- نیلی، مسعود (۱۳۹۳). دول و رشد اقتصادی در ایران، تهران: نشر نی.
- تونیکس، دن اسلیترو فون (۱۳۹۴). جامعه بازار، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- میرزاخانی، حسین (۱۳۹۱). الزامات سرمایه‌گذاری خارجی در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مجله اقتصادی، جلد ۱۲، شماره ۷ و ۸.

### ب: منابع لاتین

- Leeson, Robert (2018). Hayek: A Collaborative Biography: Part XI: Orwellian Rectifiers, Mises' 'Evil Seed' of Christianity and the 'Free' Market Welfare State, **Business & Economics**.
- Napiórkowski, Tomasz Marcin (2017). The Role of Foreign Direct Investment in Economic Growth. The Production Function Perspective, **Warsaw School of Economics**.
- Adams, Samuel (2011). Privatization and National Development: A Case Study of Ghana. **Public Organization Review**, Vol. 11.
- Shleifer, A. (1998). State Versus Private Ownership. Economic Perspectives', **American Economic Association**, Vol. 12, No. 4.
- Kados, Mihaela(2012). The reflection of good governance in sustainable development strategies, **Procedia - Social and Behavioral Sciences**.
- Arts, Karin, Tamo, Atabongawung (2016). The Right to Development in International Law: New Momentum Thirty Years Down the Line?, **Netherlands International Law Review**, Volume 63, Issue 3.
- Chong, Jason (2017). What is the difference between deregulation and privatization? **Published in:qura.com**.
- Kandilov, Ivan; Leblebiciogu, Asli; Manghnani, Ruchita (2016). Deregulation and firm investment : evidence from the dismantling of the license system in India, **world bank Report**, No.: WPS7884, NOV 08.
- Wymeersch, Eddy (2010). the Structure of Financial Supervision in Europe about Single, Twin Peak and Multiple Financial Supervisor, <http://www.ecb.int>.
- World Bank's Report (2020). East doing business ranking.
- The Council of Economic Advisers Report (2019). The Economic Effects of Federal Deregulation since January 2017.